

نقد بسیج در نامه به رهبر انقلاب

امیر امانی پور، کارشناس علوم قرآنی دانشگاه رضوی و از بچه‌های مسجد الاثمه ع خرمشهر و از فعالان فرهنگی، ضمن نامه ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی، 8 مشکل اساسی در بسیج را مطرح کرده است که اینجا عنوان شده است...

یک

سازمان بسیج مستضعفین به شدت نگاه اماری به مسائل غیر اماری دارد.

اکثر بودجه‌های فرهنگی در مراسمات، همایش‌ها، کنگره‌ها و ... خرج کیک و ساندیس می‌شود نه یک عمل و فعالیت ماندگار. برد برنامه‌ها مانند یک مژگن نیم ساعته شده است.

دو

مسئله ثبت سوابق در 99٪ موارد با مراسمات جعلی و دروغ‌های مسلم پر می‌شود. متأسفانه یکی از معابر استفاده از مزایای بسیج از همین «ثبت سوابق» می‌گذرد؛ بنابراین به تعداد ثبت سوابق، دروغ در پرونده‌ها لانه کرده است.

سه

بسیج فقط دنبال کارهای زود بازده است و نگاه کلان ندارد. مثلاً کنگره ملی شهدای خرمشهر فقط در چند کیلومتر بنر و چندین هزار کیک و آب میوه خلاصه شد و از هزینه میلیاردي ان اثر ماندگاری بر جا نماند.

چهار

برگزاری دوره‌های آموزشی صوری و بی محتوا؛ کاغذهایی که ممتحن به آنها نگاه هم نمی‌کند و در آینده هیچ استفاده‌ای ندارد. فرآیند مدرک سازی توخالی آنقدر شیوع دارد که بعضی از فرماندهای عقیدتی سیاسی با جعل تقدیرنامه دوستان خود را لایق استخدام معرفی می‌کنند.

یکی از صدمات این روند از دست رفتن دوستان بسیج است. عده زیادی از علاقمندان فرهنگ بسیج ساعات زیادی از بهترین ایام عمر خود را

صرف کارهای بسیج می کنند اما هنگامی به خود می آیند که عمر آنها از متوسط اشتغال بالاتر رفته و کاری ترین افراد بسیج استخدام نمی شوند. این مسئله سبب سر خوردگی و تحقیر آنان می شود. ضمن آنکه افراد استخدامی در خوشبینانه ترین حالت دغدغه کافی برای خدمت ندارند.

پنج

بسیج مخاطب خود را درون سازمانی تعریف کرده است و کمتر برای جامعه و حتی امت اسلامی برنامه ریزی می کند. بسیج با اشتباهات مستمر و زیاد خود وجهه لایق خود را در انظار عمومی کم کرده است و مردم کمتر در مراسماتش شرکت می کنند. بسیج به جای آنکه خود بستری برای شکوفایی استعدادها باشد؛ استعدادهای شکوفا شده بیرون از سازمان را مصادره می کند. مثلاً تیم فوتسال دانش آموزان لرستان در جهان اول شد. بازیکنان این تیم هیچکدام در هیچ پایگاه بسیجی فعالیت نداشتند و صرفاً با یک چفیه بر دوش و شکار لحظه بر دوش و یک شکار لحظه با دوربین/ع تیم را بدون اینکه به تفکر بسیج توجیه کرده باشند؛ بسیجی معرفی کردند. این مسئله فقط مشتی از خروار است. اگر هیچ کس این مسئله را نفهمد خود نخبگان این ریا و ظاهر سازی را می چشند. این مسئله ریشه در ساختار بسیج دارد که برای عوام طراحی شده است. نه مدیریت استعدادهای و فرهیختگان جامعه.

یکی از دلایل اثبات این ادعا صوری بودن بسیج اساتید است. چگونه یک استاد دانشگاه و متخصص حاضر شود تحت امر یک فرد کم سواد و بی تخصص قرار بگیرد؟

این مسئله زمانی اهمیت می یابد که بدانیم استاد به لحاظ موقعیتی که دارد می تواند صدها بسیجی را پرورش دهد و تاثیری هزار برابر یک بسیجی عادی داشته باشد.

یکی دیگر از شواهد غیر فرهیخته بودن بسیج انزوای بسیج هنرمندان است. هنرمندان در انتقال مفاهیم ارزشی و فرهنگی در خط مقدم هستند اما سیستم فعلی از این مسئله غافل است.

در یک نمونه بارز می توان از بودجه های کم و حیف و میل بودجه در این بخش از بسیج اشاره کرد. گاهی مشاهده می شود که بودجه های این بخش را در جای دیگر هزینه می کنند.

شش

بخش عظیمی از بودجه های بسیج اجبار صرف اردوهای بی محتوا می شود که صرفاً برای تولید امار است.

ما غافل از انیم که اگر همین بودجه ها صرف کارهای صحیح فرهنگی در مساجد میشد نتایج بسیار رضایت بخش تری در بر داشت. البته مخالفتی در اهمیت اردو نیست؛ مخالفت با بی محتواست و مساجد مهم ترین مراکز تولید و نشر محتواست. این اردوها به نحوی است که تعداد زیادی از مربیان شجره طیبه حاضر نیستند اعضای حلقه خود را با دیگر بسیجیان در سفرها همراه کنند چون تربیت، اخلاق و معنویت را میگیرد!

هفت

در سیستم اداری هر قدر مجموعه کوچک تر باشد؛ مدیریت مسلط تر و بهتر اعمال میشود و در نقطه مقابل هر چه تشکیلات گسترده تر باشد فساد اداری بیشتر درز می کند.

در روش اداره بسیج از این اصل غفلت شده است. سیستم بسیج وسیع، پر هزینه و دارای عملکردی نزدیک به صفر در عرصه فرهنگ است. البته کوچک سازی به این معنا نیست که کار چند نفر را به یک نفر بدهیم بلکه به این معناست که با اصلاح سازمان قسمت های بی فایده یا کم فایده را حذف کنیم.

کار فرهنگی باید مردمی باشد و حکومت اکثر نقش نظارتی و حمایتی باید داشته باشد. اگر به این سو حرکت نکنیم فرصت فعلی به یک خطر تبدیل خواهد شد.

امروز هزینه های زیادی برای نگهداری از وسعت و پیکره بسیج می شود بدون اینکه هدف اولیه و اساسی از تشکیل این شجره طیبه به یاد داشته باشیم. به راستی سیستم وسیعی که کارآیی و بازدهی کمتری نسبت به وسعت خود دارد نباید اصلاح شود؟ آیا اکنون زمان شروع تحول نیست؟

هشت

سپاه پاسداران ارگان نظامی و امنیتی است به عبارتی غیر از بازرسی هایی که سپاه از خود به عمل می آورد؛ کسی از این ارگان بازرسی نمی کند؛ این مسئله سبب شده که خطاها و مشکلات بسیج کمتر کالبد شکافی شود.

برای شرح این نکته به یک خاطره اشاره میشود: در اردیبهشت 91 از طرف ناحیه خرمشهر به عنوان بازرس ناحیه شوش اعزام شدم. اینجانب از ده پایگاه بازدید کردم. حدود 17 فرم را باید پر می کردم تا به اهواز ارسال شود. این کار را کردم اما فهمیدم اصلاً قرار نیست فرمی از ما تحویل گرفته شود چون این بازرسی یک عمل صوری بوده است.

منبع: <http://wiki-salehin.blogfa.com/post/1084>

پایگاه دانش آموز مسلمان این نامه را قابل تامل و منبعی برای
آسیب شناسی و تامل در ساختار می داند.